فصلنامه علمی پژوهشی
دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت
سال ششم / شماره ۲۳/ پائیز ۱۳۹۶

بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و مدیریت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محمد صفائی
دانشجوی دکترای مدیریت مالی دانشگاه تهران،

بابک محمودی درویشانی
دانشجوی دکترای مهندسی مالی دانشگاه آزاد واحد قزوین (نویسنده مسئول)
babak.mahmoudii@yahoo.com

ابراهیم عباسی
گروه مدیریت، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، علی آباد کتول

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۴/۳۱

چکیده

در این مقاله، رابطه بین حاکمیت شرکتی، مدیریت سود و مدیریت مالیات بررسی شده است. بدین منظور برای حاکمیت شرکتی برخی از معیارهای مهم از جمله اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و میزان پاداش اعضای هیئت مدیره مورد توجه قرار گرفته است و همچنین برای مدیریت سود از مدل تعدیل شده جونز و برای مدیریت مالیات از معیارهای نرخ موثر مالیاتی قطعی، حسابداری و جاری استفاده شده است. این موضوع با استفاده از اطلاعات استخراج شده از ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ انجام شده است. برای آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون چند متغیره، به روش حداقل مربعات با داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که هیچ یک از شاخص‌های حاکمیت شرکتی (شامل اندازه، استقلال و پاداش هیئت مدیره)، تاثیر معناداری بر مدیریت سود ندارد. از سوی دیگر شاخص اندازه هیئت مدیره از حاکمیت شرکتی، تاثیر معناداری بر شاخص‌های نرخ موثر مالیاتی قطعی و نیز نرخ موثر مالیاتی حسابداری از مدیریت مالیات داشته است. اما هیچ یک از شاخص‌های حاکمیت شرکتی تاثیر معناداری بر نرخ موثر مالیاتی جاری نداشته‌اند. به طور کلی می‌توان گفت افزایش (کاهش) اندازه هیئت مدیره منجر به کاهش (افزایش) نرخ موثر مالیاتی قطعی و حسابداری و در نهایت مدیریت مالیات می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اندازه هیئت مدیره، حاکمیت شرکتی، مدیریت سود، مدیریت مالیات، نرخ موثر مالیاتی.

Archive of SID
www.SID.ir

۱- مقدمه

مسئله‌ای که امروزه علیرغم افزایش سطح آگاهی‌ها و دانش عمومی استفاده کنندگان از صورت‌های مالی دیده می‌شود، اتکای شدید بر اعداد گزارشات حسابداری (به ویژه سود حسابداری) به عنوان یکی از معیارهای اصلی ارزیابی عملکرد جهت تصمیم گیری در خصوص سرمایه گذاری می‌باشد. این اتکای غیرمنطقی انگیزه‌های فراوانی برای مدیران ایجاد می‌کند تا این اعداد را به نفع خودشان دستکاری (مدیریت) نمایند. یا به عبارت کاملتر دست به مدیریت سود بزنند.

جونز و شارما (۲۰۰۱) مدیریت سود را نوعی اقدام آگاهانه با هدف طبیعی نشان دادن سود شرکت به یک سطح مطلوب و مورد نظر می باشد. به عقیده جونز و شارما مدیریت سود زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران با استفاده از قضاوت در گزارشگری مالی و ساختار مبادلات جهت گمراه نمودن بعضی از ذینفعان درباره‌ی عملکرد اقتصادی شرکت یا تحت تاثیر قرار دادن نتایج قراردادی که به ارقام حسابداری گزارش شده وابسته است، در گزارشگری مالی تغییر ایجاد می‌کند.

اصولا مدیریت سود به دلیل اینکه تصویر نادرستی از نتایج عملکرد شرکت ارائه می‌دهد، موجب قضاوت نادرست سهامداران و سرمایه گذاران در خصوص عملکرد واحدهای اقتصادی و مدیران آنها شده و نه تنها منجر به تضییع اصل و سود سرمایه آنها می‌شود، بلکه نوعی بدبینی در میان سهامداران به وجود آورده و رقابت سالم بین واحدهای اقتصادی کشور را از بین می‌برد (قدرتی و فیضی، ۱۳۹۴).

یکی از دلایل اینکه برخی مدیران دست به مدیریت سود می‌زنند، فرار یا بحث اجتناب مالیاتی می‌باشد. مدیران برای اینکه بتوانند سود خود را کمتر از واقع نشان دهند و به تبع آن مالیات کمتری بپردازند، سعی بر مدیریت سود می‌کنند. از طرف دیگر برخی مواقع ممکن است مدیران صرف اینکه اشتباهات مدیریتی خود را جبران و زیان‌های وارده را بپوشانند، دست به مدیریت سود و در واقع بیش از حد نشان دادن سود می‌زنند که این خود باعث افزایش میزان پرداخت مالیات می‌شود. در چنین حالت‌های مشابهی مدیران ممکن است علاوه بر مدیریت سود به دنبال استفاده تکنیک‌های مدیریت مالیات باشند. از این رو وجود مکانیزمی منسجم برای جلوگیری از این پدیده شوم و همسو کردن منافع طیف‌های ذی‌نفعان و همچنین سمت و سو بخشیدن به اهداف سازمان توسط تمامی ذی نفعان، مقوله‌ی حاکمیت شرکتی مطرح شده است.

حاکمیت شرکتی، به چگونگی اداره و کنترل شرکت‌ها به ویژه نقش هیئت مدیره در این رابطه پرداخته و چارچوب یک نظام پاسخگویی موثر را بیان می‌کند. به طور کلی حاکمیت شرکتی در پی ایجاد چارچوبی است که توازن مناسبی بین آزادی عمل مدیریت، پاسخگویی و منافع ذینفعان مختلف فراهم می‌آورد. با توجه به تعریفی که بانک جهانی ارائه نموده: « حاکمیت شرکتی به دنبال برقراری تعادل میان اهداف اقتصادی، اجتماعی و میان اهداف فردی و همگانی است» (رهبری خرازی، ۱۳۸۳). از این رو این تحقیق، به دنبال بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی با مدیریت سود و مدیریت مالیات می باشد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

ویژگی جدایی مدیریت از مالکیت به عنوان یکی از ویژگی‌های بارز شرکت سهامی، به سبب قدرت انحصاری بخشیدن به مدیر در تهیه و ارائه گزارشات حسابداری (به عنوان یکی از مهمترین خروجی‌های عملکرد واحد اقتصادی) بحث تضاد منافع بین ذی‌نفعان مختلف واحد تجاری را مطرح نموده و لزوم توجه به نظارت و کنترل مدیران توسط تمامی سهامداران را عمق بخشیده است. طبق همین ویژگی است که مدیران امکان دسترسی بی قید و شرط به بخش مهمی از اطلاعات سازمان را بدست می‌آورند. این ویژگی زمانی که در کنار ویژگی حسابداری تعهدی بخاطر وجود معوقات (مابه التفاوت سود نقدی و سود تعهدی) قرار می‌گیرد و انگیزه‌هایی همچون پاداش، مقررات گریزی، افزایش وز افزون رقابت‌ها و .. پیش می‌آید، محرکی قوی برای مدیران می‌شود تا در جهت منافع خویش و حتی در تضاد با منافع سایر گروه‌ها اطلاعات موجود را دستکاری نمایند یا به عبارت کاملتر دست به مدیریت سود بزنند. بیشتر محققین این حوزه دریافته‌اند که مدیریت سود غالباً با انگیزه گمراه کردن استفاده کنندگان از صوت‌های مالی و یا انحراف از نتایج قراردادی که بستگی به سودهای حسابداری دارد، انجام می‌شود. به طوری که مدیر با این عمل قصد دارد فرایند سودآوری شرکت را هموار نشان دهد تا واحد اقتصادی تحت مدیریت او با جذابیتی خاص به عنوان یکی از گزینه‌های اولیه برای سرمایه گذاری مطرح باشد.

از این رو وجود مکانیزمی منسجم برای جلوگیری مدیریت سود و همسو کردن منافع طیف‌های مختلف ذی نفعان، معقوله حاکمیت شرکتی مطرح شده است که می‌توان آنرا مجموعه قوانین، فرایندها، فرهنگ‌ها و روابطی دانست که بین سهامداران، مدیران، حسابرسان شرکت باید وجود داشته باشد تا متضمن رعایت همه جانبه حقوق سهامداران جز، بازدارنده از سو استفاده‌های احتمالی و موجب دستیابی به اهداف پاسخگویی، شفافیت و عدالت و رعایت حقوق ذی نفعان گردد.

Archive of SID

www.SID.ir

بعلاوه می‌توان گفت شرکت‌هایی که نظام حاکمیت شرکتی بهتری دارند، کمتر با مشکلات تضاد منافع و عواقب ناشی از آن روبرو می‌شوند (قدرتی و فیضی، ۱۳۹۴). در دو دهه اخیر، اصول راهبری شرکت‌ها یکی از جنبه‌های اساسی تجارت شده و توجه به آن روز به روز در حال افزایش است. بر اساس یافته‌های محققانی همچون بلک (۲۰۰۱) ، کلاپر و لاو (۲۰۰۳)، گامپرس و همکاران (۲۰۰۳). اصول راهبری شرکت‌ها نقش مهمی را در بهبود عملکرد شرکت ایفا می‌کند و ارتباط مستقیمی بین اصول راهبری شرکت‌ها و عملکرد شرکت در بازارهای مالی توسعه یافته و در حال توسعه وجود دارد. یکی از عناصری که مرتبط با عملکرد شرکت‌ها می‌باشد مبحث مدیریت مالیات است. چنانچه مدیریت بتواند نرخ موثر مالیات را در بلند مدت کاهش داده و مالیات کمتری پرداخت کند، مالیات را مدیریت نموده است. هرچه این امر بهتر انجام شود، عملکرد بهتری را برای مدیریت شرکت در پی خواهد داشت، زیرا منجر به افزایش سود خالص پس از مالیات و همچنین کاهش جریان‌های نقدی خروجی از بابت مالیات خواهد شد (پورحیدری و برهانی نژاد، ۱۳۹۰).

یکی از پیامدهای گسترش بازار سرمایه تفکیک مالکان از مدیران شرکت‌ها می‌باشد. با جدایی مالکیت از مدیریت مشکل نمایندگی بوجود می‌آید. با شکل گیری رابطه نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران و سهامداران و سایر ذینفعان (از جمله دولت) ایجاد می‌گردد و به طور بالقوه این امکان به وجود می‌آید که مدیران اقداماتی انجام دهند که در جهت منافع خودشان بوده و ضرورتاً در جهت منافع سهامداران و سایر ذینفعان از جمله دولت نباشد. این امر موجب می‌شود که سود حسابداری گزارش شده در صورت سود و زیان شرکت‌ها با سود مشمول مالیات مطابق قوانین مالیاتی تفاوت داشته باشد. این تفاوت دلایل مختلفی دارد. با توجه به اختلاف مزبور، مبلغ مالیات قابل پرداخت نیز طبق گزارشگری مالی شرکت متفاوت از محاسبات مربوط طبق قوانین مالیاتی خواهد شد. در نتیجه نرخ قانونی مالیات با نرخ موثر مالیاتی متفاوت خواهد شد (اصغری، ۱۳۹۱). با توجه مطالب ذکر شده این سوال مطرح می‌شود که اولا میزان تاثیرگذاری حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود چگونه است و چه مقدار می‌تواند در کاهش مدیریت سود موثر باشد؟ و دوما میزان تاثیرگذاری حاکمیت شرکتی بر مدیریت مالیات چگونه است و چه مقدار می‌تواند از مدیریت مالیات با جهت‌گیری منفی بکاهد؟

قدرتی و فیضی (۱۳۹۴) به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر میزان مدیریت سود پرداختند. آنها برای حاکمیت شرکتی از شاخص‌های نسبت سرمایه گذاران نهادی، استقلال هیئت مدیره، دوگانگی وظیفه مدیر عامل، وجود حسابرس داخلی استفاده کردند. نتایج حاکی از آن بود که هیچ یک از متغیرهای مرتبط با حاکمیت شرکت بر میزان مدیریت سود تاثیرگذار نبوده است.

نیکومرام و محمدزاده سالطه (۱۳۸۹) به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود پرداختند. نتایج حاصل از آزمون بیانگر این بود است که اولا، شرکت‌هایی که دارای حاکمیت شرکتی کافی (چه قوی و چه ضعیف) بوده‌اند، اقلام تعهدی اختیاری کمتری داشتند، بدین معنی که در اینگونه شرکت‌ها مدیریت سود کمتر اتفاق می‌افتاد. دوما، شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف نسبت به شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی، لزوما اقلام تعهدی بیشتری ندارند. به طور کلی، نتایج بیانگر آن است که کفایت حاکمیت شرکتی، نسبت به توانایی حاکمیت شرکتی با مدیریت سود ارتباط معناداری دارد بدین معنی که کفایت حاکمیت شرکتی یکی از عوامل تعیین کننده موثر بر مدیریت سود است.

آقایی و چالاکی (۱۳۸۸) به بررسی رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود پرداختند. حاکمیت شرکتی با استفاده از ویژگی‌های تمرکز مالکیت، مالکیت نهادی، نفوذ مدیرعامل، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، اندازه هیات مدیره، استقلال هیات مدیره، اتکای بر بدهی و مدت زمان تصدی مدیرعامل در هیات مدیره اندازه گیری شد و برای اندازه‌گیری مدیریت سود از اقلام تعهدی غیر عادی استفاده شد. یافته های تحقیق نشان داد که رابطه معنی‌دار منفی بین مالکیت نهادی و مدیریت سود همچنین بین استقلال هیات مدیره و مدیریت سود وجود دارد. علاوه بر این، رابطه معنی داری بین سایر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی(تمرکز مالکیت، نفوذ مدیرعامل، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، اندازه هیات مدیره، اتکای بر بدهی و مدت زمان تصدی مدیرعامل در هیات مدیره) و مدیریت سود وجود ندارد.

اصغری (۱۳۹۱) به بررسی رابطه حاکمیت شرکتی و نرخ موثر مالیات پرداخت. او برای حاکمیت شرکتی از معیارهای اندازه هیئت مدیره، دوگانگی نقش مدیر عامل، درصد سهامداران نهادی، استقلال هیئت استفاده کرد. نتایج حاکی از آن بوده است که بین اندازه هیئت مدیره و درصد سهامداران نهادی با نرخ موثر مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد اما بین استقلال هیئت مدیره و دوگانگی نقش هیئت مدیره با نرخ موثر مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. پورحیدری و برهانی نژاد (۱۳۹۰) به بررسی رابطه بین خصوصیات اصول راهبری شرکت‌ها و مدیریت مالیات پرداختند. آنها برای

Archive of SID

www.SID.ir

خصوصیات اصول راهبری شرکت‌ها از متغیرهای اندازه هیئت مدیره، ترکیب هیئت مدیره، دوگانگی مدیرعامل و اندازه حسابرس و همچنین برای سنجش مدیریت مالیات نیز از میانگین ۵ ساله نرخ موثر مالیاتی استفاده کردند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق بیانگر آن بوده است که بین اندازه هیئت مدیره و مدیریت مالیات ارتباط معنادار وجود ندارد. به بیان دیگر، در ایران اندازه هیئت مدیره تاثیری بر مدیریت مالیات ندارد. همچنین، نتایج نشان داد که ارتباط منفی و معناداری بین ترکیب هیئت مدیره و نرخ موثر مالیاتی وجود دارد. همچنین، بین اندازه موسسه حسابرسی و مدیریت مالیات نیز ارتباط منفی و معناداری وجود دارد.

باباجانی و عبدی (۱۳۸۹) رابطه بین حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات را ارزیابی کردند. این ارزیابی از طریق بررسی رابطه بین برخی از معیارهای مهم حاکمیت شرکتی شامل درصد اعضای غیرموظف در ترکیب هیات مدیره، نقش ترکیبی مدیرعامل(دو گانگی وظایف مدیرعامل) و سهامداران نهادی با درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی صورت گرفته است. نتایج تحقیق، بیانگر عدم تفاوت معنادار بین میانگین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در گروه شرکت‌هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا هستند، با گروه شرکت‌هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا نیستند، بوده است.

مینیک و نوگا (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای اثرات ویژگی‌های اصول راهبری شرکت‌ها را بر مدیریت مالیات جستجو نمودند. آنها نشان دادند که طرح‌های پاداش به عنوان محرکی برای مدیران جهت سرمایه گذاری در طرح های بلندمدت و مالیات کاه عمل می‌کند. همچنین یافته ها نشان داد که مدیریت مالیات سهامداران را منتفع می‌سازد و مدیریت مالیات به طور مثبت با افزایش عایدی سهامداران در ارتباط است.

لانیس و ریچاردسون (۲۰۱۱) به این نتیجه رسیدند که تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره رابطه‌ای منفی و معنادار با رویه مالیاتی متهورانه دارد. به عبارت دیگر، هرچه تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره بیشتر باشد، شرکت کمتر به مدیریت مالیات روی می آورد.

سارتوری (۲۰۰۸)، نشان داد که واکنش های بین حاکمیت شرکتی و مالیات به صورت متقابل بوده، در حقیقت، از یک سو، قواعد حاکمیت شرکتی تاثیرات ساختاری در برآورده کردن تعهدات مالیاتی شرکت ها دارد و از سوی دیگر، طرح های مالیاتی(از دیدگاه دولت) و ارتباط دادن آنها به استراتژی های مالیاتی (از دیدگاه شرکت) می تواند تاثیر بسزایی در ایجاد یک حاکمیت شرکتی پویا داشته باشد. دسایی و همکاران (۲۰۰۶) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که نرخ‌های مالیاتی بالا، باعث بدتر شدن سیستم‌های اصول راهبری شرکت‌ها می‌شود و برعکس نرخ‌های پایین مالیاتی باعث بهبود سیستم‌های اصول راهبری شرکت‌ها شده و افزایش درآمدهای مالیاتی را در پی خواهد داشت.

در این تحقیق با بررسی جامعتری نسبت به تحقیقات قبل به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و مدیریت مالیات پرداخته شده است. در این تحقیق در حاکمیت شرکتی از معیارهای اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و پاداش هیئت مدیره و برای مدیریت سود از اقلام تعهدی اختیاری و برای مدیریت مالیات از سه نرخ مالیات موثر به ترتیب نرخ موثر مالیاتی قطعی، حسابداری و جاری استفاده شده است که رویکرد جامعی را به این موضوع ارائه داده است و در تحقیقی نیز تاکنون بررسی نشده است.

۳- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به هدف اصلی تحقیق که بررسی رابطه بین مازاد جریان نقدی آزاد، حاکمیت شرکتی و اندازه شرکت با قابلیت پیش بینی سود می‌باشد، فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر مطرح شده‌اند:

برای بررسی هدف اول یعنی تاثیرگذاری حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود فرضیه های زیر مطرح شده است:

فرضیه اول: اندازه هیئت مدیره بر مدیریت سود تاثیرگذار است

فرضیه دوم: استقلال هیئت مدیره بر مدیریت سود تاثیرگذار است

فرضیه سوم: پاداش هیئت مدیره بر مدیریت سود تاثیرگذار است

برای بررسی هدف دوم یعنی تاثیرگذاری حاکمیت شرکتی بر مدیریت مالیات و در نظر گرفتن این نکته که برای حاکمیت شرکتی سه شاخص اندازه هیئت مدیره و استقلال هیئت مدیره و پاداش هیئت مدیره و نیز سه شاخص برای مدیریت مالیات که به ترتیب نرخ موثر مالیاتی قطعی، حسابداری و جاری می‌باشند، فرضیه‌های زیر مطرح شده‌اند:

فرضیه چهارم: اندازه هیئت مدیره بر نرخ موثر مالیاتی قطعی تاثیرگذار است

فرضیه پنجم: استقلال هیئت مدیره بر نرخ موثر مالیاتی قطعی تاثیرگذار است

فرضیه ششم: پاداش هیئت مدیره بر نرخ موثر مالیاتی قطعی تاثیرگذار است

Archive of SID

www.SID.ir

فرضیه هفتم: اندازه هیئت مدیره بر نرخ موثر مالیاتی حسابداری تاثیرگذار است

فرضیه هشتم: استقلال هیئت مدیره بر نرخ موثر مالیاتی حسابداری تاثیرگذار است

فرضیه نهم: پاداش هیئت مدیره بر نرخ موثر مالیاتی حسابداری تاثیرگذار است

فرضیه دهم: اندازه هیئت مدیره بر نرخ موثر مالیاتی جاری تاثیرگذار است

فرضیه یازدهم: استقلال هیئت مدیره بر نرخ موثر مالیاتی جاری تاثیرگذار است

فرضیه دوازدهم: پاداش هیئت مدیره بر نرخ موثر مالیاتی جاری تاثیرگذار است.

۴- روش شناسی پژوهش

هدف از تحقیق حاضر بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و مدیریت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است بنابر این از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گرداوری داده‌ها از نوع توصیفی – همبستگی می‌باشد. تحقیقات همبستگی به تحقیقاتی اطلاق می‌شود که در آنها رابطه بین متغیرها بر اساس هدف تحقیق تحلیل می‌گردد (سرمد و همکاران، ۹۰:۱۳۷۶). به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها از تحلیل رگرسیون چند متغیره با داده‌های ترکیبی و به روش حداقل مربعات استفاده خواهد شد. برای این کار از نرم‌افزار صفحه گسترده Excel برای پردازش اولیه اطلاعات به منظور ورود به نرم افزار اقتصادسنجی Eviews جهت انجام آزمون و تحلیل‌های آماری استفاده خواهد شد.

در این تحقیق جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند که شرایط زیر را احراز نمایند.

شرکت‌های مورد مطالعه (۱۱۰ شرکت) به صورت تصادفی بدون جایگزین از بین ۱۵۳ شرکت، استخراج شده و مورد آزمون قرار گرفتند.

جدول (۱)- جامعه و استخراج نمونه تحقیق

ردیف	شرایط	حذفی	باقیمانده
۱	تعداد شرکت‌های که تا سال ۹۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شدند	۴۷۴	۴۷۴
۲	تعداد شرکت‌های که قبل سال ۸۷ از بورس حذف شدند یا وارد فرابورس شدند	(۲۶)	
۳	تعداد شرکت‌هایی که بعد سال ۸۷ وارد بورس شدند	(۱۷)	
۴	تعداد شرکت‌هایی که بین سال‌های ۸۷-۹۱ در بورس اوراق بهادار تهران فعال بوده‌اند		۴۳۱
۵	تعداد شرکت‌هایی که عضو بخش مالی، بانک و بیمه و سرمایه گذاری و سایر واسطه‌گری‌ها و هلدینگ‌ها بوده‌اند	(۶۶)	۳۶۵
۶	تعداد شرکت‌هایی که پایان سال مالی آنها ۱۲/۲۹ نبوده است	(۶۷)	۲۹۸
۷	تعداد شرکت‌های غیرمالی که در بازه ۸۷-۹۱ از لیست شرکت‌هایی پذیرفته شده در بورس حذف شده‌اند	(۱۰۲)	۱۹۶
۸	تعداد شرکت‌هایی که طی بازه ۸۷-۹۱، تغییر سال مالی داده‌اند	(۱۰)	۱۸۶
۹	تعداد شرکت‌هایی که اطلاعات مالی مورد نیاز تحقیق (از جمله مالیات تشخیصی و قطعی) آنها در دسترس نبوده و یا ناقص بوده است	(۳۳)	۱۵۳
	تعداد نمونه با قرار گرفتن شرکت‌های فوق در رابطه نمونه‌گیری کوکران	**۱۰۹/۶۲**	**۱۱۰**

۵- متغیرها و مدل‌های پژوهش

- **متغیر وابسته**

متغیر وابسته، متغیری است که تغییرات آن تحت تاثیر متغیر مستقل قرار می‌گیرد. انتخاب یک متغیر وابسته به هدف تحقیق بستگی دارد (سرمد و همکاران، ۴۴:۱۳۷۶). در این تحقیق، متغیرهای مدیریت سود و مدیریت مالیات به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده‌اند.

الف) مدیریت سود (DA)

برای اندازه‌گیری و کمی کردن مدیریت سود، از میزان اقلام تعهدی اختیاری به کمک مدل رگرسیون تعدیل شده جونز (۱۹۹۵) استفاده شده است. مدل جونز تعدیل شده بیانگر آن است که هر شرکت نمونه ابتدا با تمام شرکت‌های همان صنعت مطابقت داده می‌شوند. جمع اقلام تعهدی روی مبلغ ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات و تغییرات تعدیل شده درآمد

Archive of SID
www.SID.ir

هر یک از شرکت های نمونه مورد نظر رگرسیون می‌شود (بولو و حسینی، ۱۳۸۶). در مدل تعدیل شده جونز، فرض بر این است که میزان اقلام تعهدی غیـراختیاری در شـرکت به سه متغیر ۱- اموال، ماشین آلات و تجهیزات، ۲- تغییرات درآمد و ۳- تغییرات حساب‌ها و اسناد دریافتنی وابسته است. لذا، ابتدا مدل زیر تخمین زده می‌شود:

$$\frac{TACC_{it}}{Asset_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 \frac{1}{Asset_{it-1}} + \beta_2 \frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{Asset_{it-1}} + \beta_3 \frac{PPE_{it}}{Asset_{it-1}} + \varepsilon_{it}$$

که در آن،

$TACC_{it}$: نشانگر جمع کل اقلام تعهدی بوده و از طریق تفاوت بین سود خالص و جریان نقد عملیاتی محاسبه می‌شود.

$Asset_{it-1}$: نشانگر جمع دارایی‌های شرکت در دوره قبل،

ΔREV_{it} : نشانگر تغییرات درآمدهای سال جاری و سال قبل،

ΔREC_{it} : نشانگر تغییرات حساب‌های دریافتنی سال جاری و سال قبل و

PPE_{it} : نیز نشانگر جمع ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات و در نهایت β_0 ، عرض از مبدا و ε_{it} میزان خطای مدل را نشان می دهد.

در این مدل برای استاندارد شدن متغیرها و تعدیل ناهمسانی واریانس در پسماندها، همه متغیرهای مدل مزبور بر جمع کل دارایی‌های سال قبل ($Asset_{it-1}$) تقسیم شده‌اند. پس از تخمین مدل طی دوره‌ی زمانی تحقیق، باقیمانده مدل برابر اقلام تعهدی اختیاری می باشد که از طریق کسر نمودن اقلام تعهدی غیر اختیاری ($NDACC_{it}$) از جمع اقلام تعهدی ($TACC_{it}$)به شرح مدل زیر به دست می‌آید:

$$DACC_{it} = \frac{TACC_{it}}{Asset_{it-1}} - [\beta_0 + \beta_1 \frac{1}{Asset_{it-1}} + \beta_2 \frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{Asset_{it-1}} + \beta_3 \frac{PPE_{it}}{Asset_{it-1}}]$$

متغیر $DACC_{it}$ ، بیانگر اقلام تعهدی اختیاری است که در این تحقیق به عنوان شاخصی برای مدیریت سود در نظر گرفته شده است.

ب) مدیریت مالیات (TM)

نرخ موثر مالیاتی در این تحقیق به عنوان نماینده‌ای برای مدیریت مالیات در نظر گرفته شده است که خود به چند طبقه تقسیم شده است و نحوه محاسبه هر یک از آنها به صورت زیر می‌باشد:

۱) نرخ موثر مالیاتی قطعی (ETR): حاصل تقسیم مالیات قطعی شده بر سود قبل از مالیات می‌باشد.

۲) نرخ موثر مالیاتی حسابداری ($GAAP\ ETR$): حاصل تقسیم هزینه مالیات تشخیصی دوره بر سود قبل از مالیات دوره می‌باشد.

۳) نرخ موثر مالیاتی جاری ($Current\ ETR$): حاصل تقسیم هزینه مالیات ابرازی دوره بر سود قبل از مالیات دوره می‌باشد.

- **متغیر مستقل**

متغیر مستقل، یک ویژگی از محیط فیزیکی یا اجتماعی است که بعد از انتخاب یا دستکاری شدن توسط محقق، مقادیری را می‌پذیرد تا تاثیرش بر روی متغیر وابسته مشاهده شود (سرمد و همکاران، ۴۳:۱۳۷۶). متغیرهای مستقل تحقیق، حاکمیت شرکتی است که خود به سه جز تقسیم می‌شود:

۱) اندازه هیئت مدیره (BR): تعداد اعضای هیئت مدیره در شرکت می‌باشد.

۲) استقلال هیئت مدیره (IN): تعداد اعضای غیرموظف هیئت مدیره می‌باشد.

۳) پاداش هیئت مدیره (CM): حاصل لگاریتم میزان پاداش شرکت می‌باشد.

- **متغیر کنترل**

در این تحقیق متغیر کنترل، به ترتیب عبارتند از:

۱) اندازه شرکت (SZ): به صورت لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

۲) بازده دارایی‌ها (RA): به صورت تقسیم سود خالص بر کل دارایی‌ها می باشد.

۳) اهرم مالی (LV): به صورت تقسیم کل بدهی‌ها بر حقوق صاحبان سهام می‌باشد.

۴) ارزش شرکت (EV): به صورت لگاریتم طبیعی ارزش بازار شرکت می‌باشد.

- **مدل پژوهش**

مدل اصلی برای آزمون فرضیه‌های اول تا سوم، مدل ۱، برای آزمون فرضیه چهارم تا ششم، مدل ۲ و برای آزمون فرضیه هفتم تا نهم، مدل ۳ و برای آزمون فرضیه دهم تا دوازدهم، مدل ۴ به شرح زیر می‌باشند:

Archive of SID

www.SID.ir

مدل ۱)

$$DA_{it} = \beta_0 + \beta_1 DA_{it-1} + \beta_2 BR_{it} + \beta_3 IN_{it} + \beta_4 CM_{it} + \beta_5 SZ_{it} + \beta_6 RA_{it} + \beta_7 LV_{it} + \beta_8 EV_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل ۲)

$$ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 ETR_{it-1} + \beta_2 BR_{it} + \beta_3 IN_{it} + \beta_4 CM_{it} + \beta_5 SZ_{it} + \beta_6 RA_{it} + \beta_7 LV_{it} + \beta_8 EV_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل ۳)

$$GAAP\ ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 GAAP\ ETR_{it-1} + \beta_2 BR_{it} + \beta_3 IN_{it} + \beta_4 CM_{it} + \beta_5 SZ_{it} + \beta_6 RA_{it} + \beta_7 LV_{it} + \beta_8 EV_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل ۴)

$$Current\ ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 Current\ ETR_{it-1} + \beta_2 BR_{it} + \beta_3 IN_{it} + \beta_4 CM_{it} + \beta_5 SZ_{it} + \beta_6 RA_{it} + \beta_7 LV_{it} + \beta_8 EV_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در هر یک از مدل‌ها:

ETR_{it} : نرخ موثر مالیاتی قطعی برای شرکت i در سال t می‌باشد.

$GAAP\ ETR_{it}$: نرخ موثر مالیاتی حسابداری برای شرکت i در سال t می‌باشد.

$Current\ ETR_{it}$: نرخ موثر مالیاتی جاری برای شرکت i در سال t می‌باشد.

DA_{it} : مدیریت سود برای شرکت i در سال t می‌باشد.

BR_{it} : اندازه هیئت مدیره برای شرکت i در سال t می‌باشد.

IN_{it} : استقلال هیئت مدیره برای شرکت i در سال t می‌باشد.

CM_{it} : پاداش هیئت مدیره برای شرکت i در سال t می‌باشد.

SZ_{it} : اندازه شرکت برای شرکت i در سال t می‌باشد.

RA_{it} : بازده دارایی ها برای شرکت i در سال t می‌باشد.

LV_{it} : اهرم مالی برای شرکت i در سال t می‌باشد.

EV_{it} : ارزش شرکت برای شرکت i در سال t می‌باشد.

β_0 : مقدار ثابت یا همان عرض از مبدا و $\varepsilon_{i,t}$: ضریب خطای مدل می‌باشد.

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱- آمار توصیفی

کمیت‌هایی آمار توصیفی ارائه شده، شامل میانگین، میانه، حداکثر، حداقل، انحراف معیار می‌باشد که در جدول (۲) ارائه شده است. شرکت‌های مورد مطالعه، ۱۱۰ شرکت بوده است که بر اساس شرکت – سال (۸۷-۹۱) برابر ۵۵۰ مشاهده شده است.

همانطور که در جدول دو مشاهده می‌شود، مقدار میانگین مدیریت سود برابر ۰/۰۰۰۶۳۶ بیانگر این است که میزان مدیریت سود در شرکت‌های مورد بررسی اندک است و تعداد کمی از شرکت‌ها اقدام به مدیریت سود می‌کنند. مقدار میانگین نرخ موثر مالیاتی قطعی ۰/۲۱۲۸۶۳ بیانگر این است که به طور متوسط شرکت‌های مورد بررسی با نرخی بیش از ۲۱ درصد، مالیات قطعی خود را می‌پردازند. البته در این بین شرکت‌هایی وجود دارند که با تخلف و مدیریت سود و به تبع آن کشف آنها از سوی اداره مالیاتی، مجبور می‌شوند بسیار بیشتر از نرخ مذکور مالیات و جریمه بپردازند. مقدار میانگین نرخ موثر مالیاتی حسابداری برابر ۰/۲۳۵۷۰۲ است و نشان می‌دهد که شرکت‌های مورد بررسی به طور متوسط با نرخ تشخیصی که از سوی امور مالیاتی مشخص می‌شود، باید حدود ۲۳ درصد مالیات خود را بپردازند. مقدار میانگین نرخ موثر مالیاتی جاری برابر ۰/۱۲۸۶۱۳ است که نشاندهنده این است که اکثر شرکت‌ها سعی بر آن دارند تا میزان مالیات خود را کمتر از واقع نشان دهند. در واقع به دنبال این هستند تا با بالا بردن هزینه‌های خود، مقدار سود را کمتر از واقع نشان داده و نتیجه مالیات کمتری بپردازند. در نتیجه با توجه به اولویت قانون بر قوانین حسابداری، اداره مالیاتی برخی از هزینه‌های آنها را مود پذیرش قرار نداده و با تشخیص خود بر اساس قوانین مالیاتی، باعث افزایش میزان پرداختی آنها می‌شود. میانگین اندازه هیئت مدیره برابر ۵/۰۴ و میانه ان برابر ۵ است و بدین معنا می‌باشد که اکثر شرکت‌های مورد مطالعه دارای ۵ عضو در هیدت مدیره خود می‌باشند. از طرفی با توجه به مقدار حداکثر و حداقل ان می‌توان دریافت که در این بین شرکت‌های هستند که ۷ و نیز ۳ نفر هیئت مدیره داشته‌اند. میزان استقلال هیئت مدیره با توجه مقدار میانگین آن (۳/۶۶) و نیز مقدار میانگین اندازه هیئت مدیره (که ۵ نفر بودند) می‌توان گفت میزان استقلال مطلوب شرکت‌های مورد بررسی را نشان می‌دهد. مقدار میانگین پاداش هیئت مدیره برابر ۰/۷۴۴۱۵۵ و مقدار میانه آن نیز برابر ۰/۰۰ است و این خود بیانگر این است که میزان پاداش مدیریت در اکثر شرکت‌ها یا مقدار قابل توجهی نیست و یا اندک است که اکثر شرکت‌ها از

Archive of SID

www.SID.ir

افشای آن خودداری کرده‌اند. مقدار میانگین اندازه هیئت مدیره برابر ۱۳/۷۲ و مقدار حداکثر و حداقل آن به ترتیب برابر ۱۸/۵۴ و ۱۰/۰۶ هستند و این مقادیر بیانگر این است که شرکت‌های مورد بررسی در طیف مناسبی قرار دارند و می‌توانی گفت از لحاظ اندازه همگنی مناسبی دارند. مقدار میانگین بازدهی شرکت‌ها برابر ۰/۱۲۵ بیانگر این است که به طور متوسط شرکت‌های مورد بررسی بازده بالایی نسبت به دارایی‌های که در اختیار دارند، نداشته و سودآوری آنها نیز پایین است. مقدار میانگین اهرم مالی برابر ۲/۲۵ بیانگر این است که ساختار سرمایه اکثر شرکت‌ها، از میزان بدهی بیشتری تشکیل شده است و عمده آنها برای تامین مالی از وام‌های بانکی استفاده می‌کنند. از سوی دیگر با مشاهده مقدار میانگین ارزش شرکت ۱۳/۱۱ و مقایسه آن با میانگی اندازه شرکت (۱۳/۷۲) می‌توان به این نتیجه دست یافت که اختلاف ارزش شرکت بر اساس قیمت بازاری آن با ارزش شرکت بر اساس مبالغ دفتری آن زیاد نیست و می‌توان گفت بازار بورس تهران بازار فعال و قوی نیست.

۶-۲- انتخاب بهترین مدل برآورد

برای انتخاب بهترین مدل برآورد از آزمون چاو (لیمیر) و نیز آزمون هاسمن استفاده می‌شود که نتایج آن در جدول (۳) ارائه شده است. برای انتخاب بهترین مدل برآورد از آزمون چاو (F لیمیر) و نیز آزمون هاسمن استفاده می‌شود که نتایج آن در جدول (۳) ارائه شده است. نتایج حاکی از آن است که برای مدل اول، مدل تجمیعی و برای مدل دوم و سوم، مدل اثرات تصادفی و برای مدل چهارم مدل اثرات ثابت بهترین مدل برآورد می‌باشد.

جدول(۲)- آمار توصیفی داده‌ها

متغیر	نماد	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
مدیریت سود (اقلام تعهدی اختیاری)	DA	۰/۰۰۰۶۳۶	-۰/۰۰۲۸۶۷	۰/۳۶۵۲۱۴	-۰/۲۹۸۹۹۸	۰/۱۰۴۵۵۱
نرخ موثر مالیاتی قطعی	ETR	۰/۲۱۲۸۶۳	۰/۱۹۶۶۴۰	۱/۱۶۸۸۴۹	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۲۳۵۸۶۰
نرخ موثر مالیاتی حسابداری	GAAP_ETR	۰/۲۳۵۷۰۲	۰/۲۱۵۹۸۵	۱/۴۰۶۳۲۲	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۲۹۸۵۶۰
نرخ موثر مالیاتی جاری	CURRENT_ETR	۰/۱۲۸۶۱۳	۰/۱۴۵۵۰۳	۰/۲۸۳۶۲۳	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۸۳۸۰۳
مدیریت سود دوره قبل	DA_1	-۰/۰۰۱۶۵۹	۰/۰۰۰۳۰۷	۰/۳۵۶۳۵۵	-۰/۳۴۸۶۶۲	۰/۰۹۹۹۷۲
نرخ موثر مالیاتی قطعی دوره قبل	ETR_1	۰/۲۷۲۹۸۶	۰/۱۹۵۳۸۴	۱۵/۷۸۴۷۲	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۸۴۳۴۲۴
نرخ موثر مالیاتی حسابداری دوره قبل	GAAP_ETR_1	۰/۳۰۸۶۸۲	۰/۲۱۴۵۸۱	۱۱/۹۱۶۶۷	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۷۵۵۹۵۰
نرخ موثر مالیاتی جاری دوره قبل	CURRENT_ETR_1	۰/۱۳۷۸۳۶	۰/۱۴۳۹۵۱	۰/۰۰۸۹۶۱	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۱۲۳۸۷۲
اندازه هیئت مدیره	BR	۵/۰۴۱۸۱۸	۵/۰۰	۷/۰۰	۳/۰۰	۰/۳۳۶۱۵۸
استقلال هیئت مدیره	IN	۳/۶۶۱۸۱۸	۴/۰۰	۶/۰۰	۰/۰۰	۰/۸۱۳۲۵۳
پاداش هیئت مدیره	CM	۰/۷۴۴۱۵۵	۰/۰۰۰	۳/۵۶۳۶۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۱/۱۲۹۳۱۴
اندازه شرکت	SZ	۱۳/۷۲۹۰۹	۱۳/۴۰۷۶۷	۱۸/۵۴۹۶۷	۱۰/۰۶۹۴۳	۱/۵۴۰۰۸۲
بازده دارایی‌ها	RA	۰/۱۲۵۹۴۸	۰/۱۱۰۰۰۷	۰/۴۴۰۱۹۰	-۰/۱۲۳۴۴۸	۰/۱۱۱۴۳۰
اهرم مالی	LV	۲/۲۵۷۷۸۸	۱/۵۶۱۷۱۳	۱۲/۰۸۷۰۳	۰/۱۱۵۷۲۸	۲/۳۱۶۹۹۱
ارزش شرکت	EV	۱۳/۱۱۲۵۱	۱۲/۹۴۹۵۹	۱۸/۵۲۴۲۷	۹/۲۵۴۳۵۷	۱/۷۵۰۵۷۶

جدول (۳)- نتایج آزمون چاو (لیمیر) و هاسمن

مدل های تحقیق	آزمون ها	آماره آزمون	سطح معنی‌دار	نتیجه آزمون
مدل (۱)	آزمون چاو (F لیمیر)	۰/۸۷۸۷۶۲	۰/۷۹۱۲	مدل تجمیعی
	آزمون هاسمن	لزومی نمی‌یابد		مدل تجمیعی
مدل (۲)	آزمون چاو (F لیمیر)	۲/۲۰۰۹۱۳	۰/۰۰۰۰	مدل اثرات ثابت
	آزمون هاسمن	۱۲/۸۶۲۳۵۸	۰/۱۱۶۷	مدل اثرات تصادفی
مدل (۳)	آزمون چاو (F لیمیر)	۱/۵۳۳۱۳۰	۰/۰۰۱۵	مدل اثرات ثابت
	آزمون هاسمن	۶/۹۴۲۰۷۰	۰/۵۴۲۹	مدل اثرات تصادفی
مدل (۴)	آزمون چاو (F لیمیر)	۴/۲۰۶۷۴۱	۰/۰۰۰۰	مدل اثرات ثابت
	آزمون هاسمن	۸۸/۰۵۵۶۶۶	۰/۰۰۰۰	مدل اثرات ثابت

Archive of SID
www.SID.ir

۷- نتایج آزمون فرضیه‌ها

۷-۱- نتیجه آزمون مدل رگرسیونی اول- فرضیه ۱-۳

نتایج آزمون فرضیه‌های اول تا سوم در جدول ۴ ارائه شده است. برای بررسی خوبی مدل، معمولا از معیارهای ضریب تعیین (R^2)، ضریب تعیین تعدیل شده ($Adj.\ R^2$) و دوربین – واتسون (D-W) و برای بررسی معنی‌داری مدل نیز از آماره F استفاده می‌شود. همانطور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، مقدار ضریب تعیین برابر ۰/۳۰۸۰۱۷ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۲۶۴۸۲۷ می‌باشد و بدین معنی می‌باشد که قدرت توضیح دهندگی و برازش مدل در سطح نسبتا خوبی قرار دارد. آماره دوربین – واتسون برابر با ۱/۹۷۱۴۱۲ می‌باشد، و از آنجایی که بازه ۱/۵ تا ۲/۵ نشان دهنده عدم وجود خود همبستگی از مرتبه اول می‌باشد، در نتیجه خودهمبستگی از مرتبه اول در جزء خطای مدل وجود ندارد.

آماره عامل تورم واریانس (VIF) میزان همخطی بین متغیرهای مستقل تحقیق را نشان می‌دهد و مقدار مجاز VIF کمتر از ۱۰ می‌باشد و از آنجایی که مقادیر جدول (۴)، کمتر از ۱۰ می‌باشد، در نتیجه بین متغیرهای مستقل تحقیق، همخطی وجود ندارد. در نهایت مقدار آماره F برابر ۸/۱۸۹۲۲۵ و مقدار احتمال آن نیز برابر ۰/۰۰۰۰ می‌باشد و از آنجایی که مقدار احتمال آن کمتر از ۰/۰۵ است، لذا معنی‌داری مدل تایید می‌شود.

همانطور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، مقدار سطح معنی‌دار برای هر سه شاخص حاکمیت شرکتی، به ترتیب برابر ۰/۴۹۶۴ و ۰/۱۶۷۵ و ۰/۴۴۵۵ هستند. از آنجایی که مقدار سطح معنی‌دار، بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرض صفر برای سه فرضیه اول مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار بین شاخص‌های حاکمیت شرکتی (اندازه، استقلال و پاداش هیئت مدیره) و مدیریت سود پذیرفته می‌شود. در نتیجه به طور کلی فرضیه اول تا سوم رد می‌شود.

جدول(۴)- نتایج آزمون مدل رگرسیونی اول تحقیق

$$DA_{it} = \beta_0 + \beta_1 DA_{it-1} + \beta_2 BR_{it} + \beta_3 IN_{it} + \beta_4 CM_{it} + \beta_5 SZ_{it} + \beta_6 RA_{it} + \beta_7 LV_{it} + \beta_8 EV_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر وابسته : مدیریت سود (DA)

متغیر مستقل	نماد	ضریب	آماره تی‌استیودنت(t)	سطح معنی‌دار	VIF	نتیجه
عرض از مبدا	β_0	-۰/۰۷۷۳۹۹	-۱/۲۶۶۸۹۰	۰/۲۰۵۷	-	-
مدیریت سود دوره قبل	DA_{it-1}	-۰/۰۲۵۷۰۴	-۰/۶۸۰۵۸۳	۰/۴۹۶۴	۱/۰۰	رد
اندازه هیئت مدیره	BR	۰/۰۱۴۰۱۲	۱/۳۸۲۱۵۵	۰/۱۶۷۵	۱/۱۶	رد
استقلال هیئت مدیره	IN	-۰/۰۰۵۳۸۱	-۰/۷۶۳۵۵۶	۰/۴۴۵۵	۱/۱۸	رد
پاداش هیئت مدیره	CM	-۰/۰۰۰۱۱۸	-۰/۰۳۴۵۰۶	۰/۹۷۲۵	۱/۰۶	رد
اندازه شرکت	SZ	۰/۰۲۷۸۹۸	۴/۱۳۶۵۲۲	۰/۰۰۰۰	۳/۰۳	تایید
بازده دارایی‌ها	RA	۰/۴۳۴۶۴۸	۶/۸۱۴۰۸۹	۰/۰۰۰۰	۲/۳۵	تایید
اهرم مالی	LV	۰/۰۰۱۳۷۵	۰/۹۰۹۵۷۵	۰/۳۶۳۵	۱/۵۲	رد
ارزش شرکت	EV	-۰/۰۳۱۵۵۱	-۴/۵۶۶۷۷۸	۰/۰۰۰۰	۳/۲۵	تایید
ضریب تعیین (R^2)		۰/۳۰۸۰۱۷	دوربین - واتسون (D-W)		۱/۹۷۱۴۱۲	
ضریب تعیین تعدیل شده ($Adj.R^2$)		۰/۲۶۴۸۲۷	آماره F (سطح معنی‌دار)		۸/۱۸۹۲۲۵ (۰/۰۰۰۰۰۰)	

۷-۲- نتیجه آزمون مدل رگرسیونی دوم- فرضیه ۴-۶

نتایج آزمون فرضیه‌های چهارم تا ششم در جدول ۵ ارائه شده است. همانطور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، مقدار ضریب تعیین برابر ۰/۴۵۷۹۷۳ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۴۴۴۰۴۳ می‌باشد و بدین معنی می‌باشد که قدرت توضیح دهندگی و برازش مدل در سطح خوبی قرار دارد. آماره دوربین – واتسون برابر با ۱/۷۹۸۲۵۸ می‌باشد، در نتیجه خودهمبستگی از مرتبه اول در جزء خطای مدل وجود ندارد.

آماره عامل تورم واریانس (VIF) برای هر یک از متغیرهای مستقل کمتر از ۱۰ می‌باشد در نتیجه بین متغیرهای مستقل تحقیق، همخطی وجود ندارد. در نهایت مقدار آماره F برابر ۴/۱۶۱۶۷۳ و مقدار احتمال آن نیز برابر ۰/۰۰۰۰ می‌باشد و از آنجایی که مقدار احتمال آن کمتر از ۰/۰۵ است، لذا معنی‌داری مدل تایید می‌شود.

همانطور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، مقدار سطح معنی‌دار برای سه شاخص حاکمیت شرکتی، به ترتیب برابر

Archive of SID
www.SID.ir

۰/۰۱۲۲ و ۰/۲۶۶۰ و ۰/۵۶۳۸ هستند. از آنجایی که مقدار سطح معنی‌دار برای فرضیه چهارم، کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرض صفر برای فرضیه چهارم رد و فرض مقابل پذیرفته می‌شود. از طرفی از آنجایی که مقدار سطح معنی‌دار برای فرضیه پنجم و ششم بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار بین دو شاخص دیگر حاکمیت شرکتی (استقلال و پاداش هیئت مدیره) و نرخ موثر مالیاتی قطعی پذیرفته می‌شود. در نتیجه به طور کلی فرضیه چهارم تایید و فرضیه‌های پنجم و ششم رد می‌شود.

جدول (۵)- نتایج آزمون مدل رگرسیونی دوم تحقیق

$$ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 ETR_{it-1} + \beta_2 BR_{it} + \beta_3 IN_{it} + \beta_4 CM_{it} + \beta_5 SZ_{it} + \beta_6 RA_{it} + \beta_7 LV_{it} + \beta_8 EV_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر وابسته : نرخ موثر مالیاتی قطعی (ETR)

متغیر مستقل	نماد	ضریب	آماره تی‌استیودنت(t)	سطح معنی‌دار	VIF	نتیجه
عرض از مبدا	β_0	۰/۸۲۹۳۶۵	۴/۴۶۴۱۱۳	۰/۰۰۰۰	-	-
نرخ موثر مالیاتی قطعی دوره قبل	ETR_{it-1}	۰/۰۴۶۶۱۵	۳/۹۱۵۴۷۸	۰/۰۰۰۱	۱/۱۳	تایید
اندازه هیئت مدیره	BR	-۰/۰۸۱۴۱۷	-۲/۵۱۵۷۹۶	۰/۰۱۲۲	۱/۱۷	تایید
استقلال هیئت مدیره	IN	-۰/۰۱۵۹۱۷	-۱/۱۱۳۵۰۸	۰/۲۶۶۰	۱/۱۸	رد
پاداش هیئت مدیره	CM	-۰/۰۰۵۸۹۰	-۰/۵۷۷۵۷۳	۰/۵۶۳۸	۱/۰۷	رد
اندازه شرکت	SZ	۰/۰۷۲۳۰۰	۳/۵۳۴۲۴۲	۰/۰۰۰۶	۳/۰۲	تایید
بازده دارایی‌ها	RA	-۰/۱۴۲۳۴۲	-۱/۰۳۷۰۷۶	۰/۳۰۰۲	۲/۳۵	رد
اهرم مالی	LV	-۰/۰۰۳۲۷۱	-۰/۵۴۷۱۵۸	۰/۵۸۴۵	۱/۶۵	رد
ارزش شرکت	EV	۰/۰۴۲۳۷۹	۲/۲۲۷۰۷۴	۰/۰۳۴۵	۳/۱۰	تایید
ضریب تعیین (R^2)		۰/۴۵۷۹۷۳	دوربین - واتسون (D-W)		۱/۷۹۸۲۵۸	
ضریب تعیین تعدیل شده ($Adj.R^2$)		۰/۴۴۴۰۴۳	آماره F (سطح معنی‌دار)		۴/۱۶۱۶۷۳ (۰/۰۰۰۰۰۰)	

۷-۳- نتیجه آزمون مدل رگرسیونی سوم- فرضیه ۷-۹

نتایج آزمون فرضیه‌های هفتم تا نهم در جدول ۴ ارائه شده است. همانطور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، مقدار ضریب تعیین برابر ۰/۴۶۷۸۱۸ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۴۵۳۸۸۵ می‌باشد و بدین معنی می‌باشد که قدرت توضیح دهندگی و برازش مدل در سطح خوبی قرار دارد. آماره دوربین – واتسون برابر با ۱/۸۴۵۹۵۶ می‌باشد، در نتیجه خودهمبستگی از مرتبه اول در جزء خطای مدل وجود ندارد. آماره عامل تورم واریانس (VIF) برای هر یک از متغیرهای مستقل کمتر از ۱۰ می‌باشد در نتیجه بین متغیرهای مستقل تحقیق، همخطی وجود ندارد. در نهایت مقدار آماره F برابر ۴/۱۴۹۸۶۶ و مقدار احتمال آن نیز برابر ۰/۰۰۰۰ می‌باشد و از آنجایی که مقدار احتمال آن کمتر از ۰/۰۵ است، لذا معنی‌داری مدل تایید می‌شود.

همانطور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، مقدار سطح معنی‌دار برای سه شاخص حاکمیت شرکتی، به ترتیب برابر ۰/۰۱۲۲ و ۰/۲۰۳۴ و ۰/۹۸۵۸ هستند. از آنجایی که مقدار سطح معنی‌دار برای فرضیه هفتم، کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرض صفر برای فرضیه هفتم رد و فرض مقابل پذیرفته می‌شود. از طرفی از آنجایی که مقدار سطح معنی‌دار برای فرضیه هشتم و نهم بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار بین دو شاخص دیگر حاکمیت شرکتی (استقلال و پاداش هیئت مدیره) و نرخ موثر مالیاتی حسابداری پذیرفته می‌شود. در نتیجه به طور کلی فرضیه هفتم تایید و فرضیه‌های هشتم و نهم رد می‌شود.

Archive of SID
www.SID.ir

جدول(۶)- نتایج آزمون مدل رگرسیونی سوم تحقیق

$GAAP\ ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 GAAP\ ETR_{it-1} + \beta_2 BR_{it} + \beta_3 IN_{it} + \beta_4 CM_{it} + \beta_5 SZ_{it} + \beta_6 RA_{it} + \beta_7 LV_{it} + \beta_8 EV_{it} + \varepsilon_{it}$

متغیر وابسته : نرخ موثر مالیاتی حسابداری ($GAAP\ ETR$)

متغیر مستقل	نماد	ضریب	آماره تی‌استیودنت(t)	سطح معنی‌دار	VIF	نتیجه
عرض از مبدا	β_0	۰/۸۸۳۸۶۴	۳/۸۱۶۷۵۰	۰/۰۰۰۲	-	-
نرخ موثر مالیاتی حسابداری دوره قبل	$GAAP\ ETR_{it-1}$	۰/۰۷۴۸۲۴	۴/۲۷۰۴۵۳	۰/۰۰۰۰	۱/۱۴	تایید
اندازه هیئت مدیره	BR	-۰/۱۰۴۴۴۳	-۲/۵۱۴۸۶۸	۰/۰۱۲۲	۱/۱۷	تایید
استقلال هیئت مدیره	IN	-۰/۰۲۲۸۰۱	-۱/۲۷۳۴۶۹	۰/۲۰۳۴	۱/۱۸	رد
پاداش هیئت مدیره	CM	-۰/۰۰۰۲۲۳	-۰/۰۱۷۷۹۹	۰/۹۸۵۸	۱/۰۷	رد
اندازه شرکت	SZ	۰/۰۷۷۰۳۳	۲/۹۹۷۰۴۳	۰/۰۰۲۵	۳/۰۳	تایید
بازده دارایی‌ها	RA	-۰/۱۴۸۴۰۸	-۰/۸۴۱۴۷۳	۰/۴۰۰۵	۲/۳۴	رد
اهرم مالی	LV	-۰/۰۱۱۶۱۱	-۱/۵۵۴۸۳۹	۰/۱۲۰۶	۱/۶۶	رد
ارزش شرکت	EV	۰/۰۸۹۰۶۳	۳/۶۵۶۲۶۶	۰/۰۰۰۴	۲/۹۱	تایید
ضریب تعیین (R^2)		۰/۴۶۷۸۱۸	دوربین - واتسون (D-W)		۱/۸۴۵۹۵۶	
ضریب تعیین تعدیل شده ($Adj.R^2$)		۰/۴۵۳۸۸۵	آماره F (سطح معنی‌دار)		۴/۱۴۹۸۶۶ (۰/۰۰۰۰۰۰)	

نتیجه آزمون مدل رگرسیونی چهارم- فرضیه ۱۰-۱۲

نتایج آزمون فرضیه‌های دهم تا دوازدهم در جدول ۷ ارائه شده است.

همانطور که در جدول (۷) مشاهده می‌شود، مقدار ضریب تعیین برابر ۰/۳۸۶۴۴۷ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۳۶۳۴۰۱ می‌باشد و بدین معنی می‌باشد که قدرت توضیح دهندگی و برازش مدل در سطح خوبی قرار دارد. آماره دوربین – واتسون برابر با ۲/۰۷۷۶۸ می‌باشد، در نتیجه خودهمبستگی از مرتبه اول در جزء خطای مدل وجود ندارد. آماره عامل تورم واریانس (VIF) برای هر یک از متغیرهای مستقل کمتر از ۱۰ می‌باشد در نتیجه بین متغیرهای مستقل تحقیق، همخطی وجود ندارد. در نهایت مقدار آماره F برابر ۷/۰۵۵۱۱۰ و مقدار احتمال آن نیز برابر ۰/۰۰۰۰ می‌باشد و از آنجایی که مقدار احتمال آن کمتر از ۰/۰۵ است، لذا معنی‌داری مدل تایید می‌شود.

همانطور که در جدول (۷) مشاهده می‌شود، مقدار سطح معنی‌دار برای هر سه شاخص حاکمیت شرکتی، به ترتیب برابر ۰/۱۵۹۳ و ۰/۴۱۷۰ و ۰/۵۴۶۶ هستند. از آنجایی که مقدار سطح معنی‌دار، بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرض صفر برای هر سه فرضیه دهم تا دوازدهم مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار بین شاخص‌های حاکمیت شرکتی (اندازه، استقلال و پاداش هیئت مدیره) و نرخ موثر مالیاتی جاری پذیرفته می‌شود. در نتیجه به طور کلی فرضیه دهم تا دوازدهم رد می‌شود.

جدول (۷)- نتایج آزمون مدل رگرسیونی چهارم تحقیق

$Current\ ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 Current\ ETR_{it-1} + \beta_2 BR_{it} + \beta_3 IN_{it} + \beta_4 CM_{it} + \beta_5 SZ_{it} + \beta_6 RA_{it} + \beta_7 LV_{it} + \beta_8 EV_{it} + \varepsilon_{it}$

متغیر وابسته : نرخ موثر مالیاتی جاری ($Current\ ETR$)

متغیر مستقل	نماد	ضریب	آماره تی‌استیودنت(t)	سطح معنی‌دار	VIF	نتیجه
عرض از مبدا	β_0	۰/۳۸۸۸۸۰	۸/۰۸۱۶۹۱	۰/۰۰۰۰	-	-
نرخ موثر مالیاتی جاری دوره قبل	$Current\ ETR_{it-1}$	-۰/۰۰۳۶۶۰	-۰/۰۶۴۴۸۱	۰/۹۴۸۶	۱/۰۶	رد
اندازه هیئت مدیره	BR	-۰/۰۱۱۹۵۹	-۱/۴۱۰۰۰۰	۰/۱۵۹۳	۱/۱۶	رد
استقلال هیئت مدیره	IN	۰/۰۰۶۶۴۴	۰/۸۱۲۳۶۴	۰/۴۱۷۰	۱/۱۹	رد
پاداش هیئت مدیره	CM	-۰/۰۰۱۳۶۶	-۰/۶۰۳۳۷۰	۰/۵۴۶۶	۱/۰۷	رد

Archive of SID
www.SID.ir

$$Current\ ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 Current\ ETR_{it-1} + \beta_2 BR_{it} + \beta_3 IN_{it} + \beta_4 CM_{it} + \beta_5 SZ_{it} + \beta_6 RA_{it} + \beta_7 LV_{it} + \beta_8 EV_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر وابسته : نرخ موثر مالیاتی جاری (*Current ETR*)

متغیر مستقل	نماد	ضریب	آماره تی‌استیودنت(t)	سطح معنی‌دار	VIF	نتیجه
اندازه شرکت	SZ	-۰/۰۲۷۶۰۳	-۳/۶۷۴۱۸۰	۰/۰۰۰۳	۳/۲۱	تایید
بازده دارایی‌ها	RA	۰/۰۶۹۹۳۷	۱/۱۰۱۶۶۴	۰/۲۷۱۲	۲/۳۵	رد
اهرم مالی	LV	-۰/۰۰۶۲۴۸	-۳/۹۸۳۳۳۹	۰/۰۰۰۱	۱/۵۳	تایید
ارزش شرکت	EV	۰/۰۱۷۳۱۶	۲/۶۰۰۳۹۰	۰/۰۲۵۱	۳/۱۰	تایید
ضریب تعیین (R^2)		۰/۳۸۶۴۴۷	دوربین - واتسون (D-W)		۲/۰۷۷۷۶۸	
ضریب تعیین تعدیل شده ($Adj.R^2$)		۰/۳۶۳۴۰۱	آماره F (سطح معنی‌دار)		۷/۰۵۵۱۱۰ (۰/۰۰۰۰۰۰)	

۸- نتیجه‌گیری و بحث

هدف اصلی این تحقیق، بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و مدیریت مالیات است. برای رسیدن به این هدف، تعداد ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۷ مورد بررسی قرار گرفتند. برای سنجش حاکمیت شرکتی از معیارهای اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و پاداش هیئت مدیره و از معیارهای نرخ موثر مالیاتی قطعی، حسابداری و جاری برای مدیریت مالیات و در نهایت برای اندازه‌گیری مدیریت سود از مدل جونز تعدیل شده استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون چند متغیره، به روش حداقل مربعات با داده‌های ترکیبی استفاده شده است.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که هیچ یک از شاخص‌های مورد بررسی در حاکمیت شرکتی (شامل اندازه، استقلال و پاداش هیئت مدیره)، تاثیر معناداری بر مدیریت سود ندارد. از سوی دیگر شاخص اندازه هیئت مدیره از حاکمیت شرکتی، تاثیر معناداری بر شاخص‌های نرخ موثر مالیاتی قطعی و نیز نرخ موثر مالیاتی حسابداری از مدیریت مالیات داشته است. اما هیچ یک از شاخص‌های حاکمیت شرکتی تاثیر معناداری بر نرخ موثر مالیاتی جاری نداشته‌اند. به طور کلی می‌توان گفت افزایش (کاهش) اندازه هیئت مدیره منجر به کاهش (افزایش) نرخ موثر مالیاتی قطعی و حسابداری و در نهایت مدیریت مالیات می‌شود.

تحلیل محقق از عدم تاثیرگذاری متغیرهای حاکمیت شرکتی (اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و پاداش هیئت مدیره) بر مدیریت سود می‌تواند ناشی از این باشد که میزان مدیریت سود در شرکت‌های مورد بررسی بسیار اندک می‌باشد. در نتیجه زمانی که مدیریت سود بسیار کم باشد، لزومی بر اعمال حاکمیت شرکتی قوی نمی‌باشد در نتیجه به نظر می‌رسد عدم وجود رابطه بین شاخص‌های حاکمیت شرکتی با مدیریت سود منطقی باشد. تحلیل محقق از تایید رابطه منفی بین حاکمیت شرکتی (اندازه هیئت مدیره) و مدیریت مالیات (نرخ موثر مالیاتی قطعی و نرخ موثر مالیاتی حسابداری) این است که هر چه میزان حاکمیت شرکتی شرکت قوی‌تر باشد، در واقع هر چه تعداد اعضای هیئت مدیره بیشتر باشد، مدیریت مالیات شرکت کاهش می‌یابد. در واقع با افزایش نظارتی که با افزایش تعداد اعضای هیئت مدیره ایجاد می‌شود، تمایل به مدیریت مالیات در بین مدیران شرکت‌ها کاهش می‌یابد.

پیشنهاداتی مبتنی بر نتایج پژوهش به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

به سرمایه‌گذاران و نیز علاقمندان به سرمایه‌گذاری پیشنهاد و نیز توصیه می‌شود که در انتخاب شرکت برای سرمایه‌گذاری، نسبت به اعضای هیئت مدیره و نیز سوابق آنها توجه داشته باشند زیرا نتایج تحقیق نشان داد که با افزایش تعداد اعضای هیئت مدیره، میزان مدیریت مالیات از نوع نرخ مالیات قطعی و نرخ مالیات حسابداری که مرتبط با نرخ تشخیصی می‌باشد، کاهش می‌یابد. همچنین سعی بر آن داشته باشند تا به سایر شاخص‌های حاکمیت شرکتی توجه داشته باشند.

به مدیران و صاحبان شرکت‌ها پیشنهاد و توصیه می‌شود که نسبت به سیستم مالیاتی و نیز محاسبات آن توجه بیشتری داشته باشند. همچنین سعی بر آن داشته باشند تا با بهنگام کردن خود در رابطه با قوانین مالیاتی تفاوت‌های ناشی از مالیات ابرازی و تشخیصی و قطعی خود را به حداقل ممکن برسانند. از طرفی با این بهنگام سازی، که از تحمل زیان‌های شرکت و نیز کاهش سود جلوگیری می‌کند، مجبور به مدیریت سود یا مدیریت مالیات نشوند. همچنین سعی داشته باشند تا ساز و کارهای حاکمیت شرکتی متنوعی را داشته باشند و مانع هرگونی مدیریت سود و نیز مالیات شوند. یکی از این راه حل‌ها

Archive of SID
www.SID.ir

افزایش تعداد اعضای هیئت مدیره می‌باشد که نتایج نشـان داد منجربه کاهش مدیریت مالیات می‌شود.

پیشنهاداتی برای پژوهشهای آتی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- ✓ بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و مـدیریت مالیات با توجه به نوع صنعت در بورس اوراق بهادار تهران
- ✓ بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و مـدیریت مالیات در شرکت های فعال در بخش های مالی و خـدماتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
- ✓ بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و مـدیریت مالیات با در نظـر گـرفتن سـایر متغیرهـا بـرای حاکمیـت شرکتی از جمله دوگانگی نقش مدیر عامل و ...
- ✓ بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و مـدیریت مالیات با در نظر گرفتن روشی دیگر برای سنجش مدیریت سود از جمله مدل کوتاری و مدل کازنیک و ..
- ✓ بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و مـدیریت مالیات با در نظر گرفتن شاخصی ترکیبـی بـرای مـدیریت مالیات یا در نظر گرفتن شاخصی دیگر برای آن.
- ✓ بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر مـدیریت سـود و مـدیریت مالیات

فهرست منابع

* آقایی، محمدعلی و چالاکی، پری. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین ویژگیهای حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری ، ۱(۴): ۱-۲۴.
* اصغری، فخری. (۱۳۹۱). مطالعه رابطه حاکمیت شرکتی و نرخ موثر مالیات، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
* باباجانی، جعفر و عبدی، مجید. (۱۳۸۹). رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها، پژوهش های حسابداری مالی، ۲ (۳): ۶۵-۸۶.
* پورحیدری، امید و برهانی نژاد، سعیده. (۱۳۹۰). بررسی تاثیر خصوصیات اصول راهبری شرکت‌ها بر مدیریت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه دانش حسابداری، ۲ (۳): ۱-۱۸.
* رهبری خرازی، مهسا. (۱۳۸۳). اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی. نشر شرکت اطلاع رسانی بورس.
* سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه. (۱۳۷۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشر اگه.
* سوری، علی. (۱۳۹۱). اقتصادسنجی همراه با کاربرد Eviews 7 ، چاپ پنجم، تهران: نشر فرهنگ شناسی.
* قدرتی، حسن و فیضی، سعید. (۱۳۹۴). تاثیر حاکمیت شرکتی بر میزان مدیریت سود در بازار بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، ۱۴ (۵۸): ۲۰۵-۲۳۲.
* نیکومرام، هاشم و محمدزاده سالطه، حیدر. (۱۳۸۹). رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود، فراسوی مدیریت، ۴ (۱۵): ۱۸۷-۲۱۰.
* Dechow, Patricia M. and Sloan, Richard G. and Amy P. Sweeney. (1995). Detecting Earnings Management, The Accounting Review, 70 (2): 193-225.
* Desai, M., Dharmapala, D.(2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives, J. Fin. Econ. 79: 145–179.
* Lanis, R., G. Richardson. (2011). the effect of board of director composition on corporate tax aggressiveness, Journal of Accounting and Public Policy, 30: 50-70.
* Minnick, Kristina. and Tracy, Noga. (2010). Do corporate governance characteristics influence tax management, Journal of Corporate Finance, 16: 703–718.
* Mulyadi, M.S. & Anwar, Y. (2015). Corporate Governance, Earnings Management and Tax Management, Social and Behavioral Sciences, 177: 363 – 366.
* Scott, William. (2009). Financial Accounting Theory (5th Ed), Prentice Hall, chapter 11, 343-352

Archive of SID

www.SID.ir